

حوادث۱۹

تلنگر

تجاوز مشاور کنکور به دختران

فرمانده انتظامی اقلید از دستگیری مردی ۲۹ساله خبر داد که از طریق فضای مجازی و با ترغند مشاور کنکور به اغفال دختران جوان اقدام می‌کرد.
به گزارش جامعه ۲۴، سرهنگ مراد صارمی بیان کرد: در پی شکایت تعدادی از شهروندان مبنی بر اینکه فردی از طریق صفحه اینستاگرام ۳۴ به تبلیغ مشاوره کنکور اقدام کرده و با ترغندهای خاص اعتماد دختران جوان را جلب و سپس به آزارواذیت اقدام می‌کند، بررسی موضوع به‌صورت ویژه در دستور کار ماموران پلیس فتا قرار گرفت. وی افزود: ماموران پلیس فتا با اقدامات فنی و تخصصی موفق شدند متهم را شناسایی و وی را در یک عملیات غافلگیرانه در مخفیگاهش دستگیر کنند. فرمانده انتظامی اقلید با بیان اینکه تاکنون چند نفر در این زمینه مورد آزارواذیت قرار گرفته‌اند، گفت: این متهم شیطان‌صفت برای سیر مراحل قانونی تحویل مراجع قضایی شد. سرهنگ صارمی خاطر نشان کرد: در بازرسی از منزل متهم ۱۷عدد سکه قدیمی، یک قبضه سلاح شکاری غیرمجاز و ۱۳افشنگ مربوطه نیز کشف شد.

بازداشت مزاحم زنان

مردی که برای نواמים مردم در شیراز، ایجاد مزاحمت کرده و متواری بود، بازداشت شد.
سردار رهام بخش حبیبی، فرمانده انتظامی استان فارس به سایت پلیس گفت: فردی با پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و اطلاع داد که مردی که ارادل و اوباش است در یکی از محله‌های شهر شیراز برای نواמים مردم ایجاد مزامت می‌کند. ماموران برای بررسی ماجرا و بازداشت مزاحم به محل اعزام شدند. متهم که چاقو به دست داشت با دیدن ماموران به سمت‌شان حمله‌ور شد. ماموران با استفاده قانون به‌کارگیری سلاح، پای متهم را‌مورد اصابت گلوله قرار داده و وی را دستگیر کردند. او به بیمارستان منتقل شد و بعد از بهبودی تحقیقات از وی ادامه می‌یابد.

پلیس، ناجی مرد راننده شد

مردی که در خودرو دچار گازگرفتگی شده بود با اقدام به‌موقع ماموران انتظامی نجات یافت و از یک قدمی مرگ بازگشت.
سرهنگ بیژن جنتی، معاون هماهنگ‌کننده فرماندهی انتظامی استان البرز به جام‌جم گفت: شهروندی در تماس با سامانه ۱۹۷ از ماموران گشت کلاتری ۳۴ گرمصره که جانش را نجات داده بودند، تشکر کرد.
با بررسی موضوع از سوی بازرسی پلیس البرز مشخص شد که این مرد هنگام استراحت در خودرویش بوده و برای گرم‌کردن فضای داخل خودرو پیک‌نیک روشن کرده و به دلیل استنشاق گاز مونواکسید کربن دچار گازگرفتگی شده است. در همان موقع ماموران کلاتری گرمصره که موقع گشت‌زنی در محل بودند، متوجه ماجراشده و با پیدا کردن این فرد او را نجات دادند.

۴ فوتی در حوادث مواد محترقه

رئیس سازمان اورژانس کشور از فوت چهار نفر به دنبال حوادث ناشی از چهارشنبه‌آخرسال در بهمن امسال خبر داد. جعفر معیادفر به مهر گفت: بهمن امسال و در آستانه چهارشنبه آخرسال ۲۳مصدوم ناشی از این حوادث توسط آمبولانس‌های اورژانس به مراکز درمانی منتقل شدند. استان‌های آذربایجان شرقی، تهران و فارس بیشترین مصدومین حوادث چهارشنبه آخرسال را داشتند. از تعداد کل آمار حوادث ۷۴درصد مصدومین آقا و ۲۶درصد مصدومین خانم بوده است.

ورود خودرو به مسجد جمکران

مردی که با تریلر یکی از درهای مسجد جمکران قم را شکسته بود، بازداشت شد.
به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، ساعت ۴ بامداد دیروز اول اسفند، یک تریلر در شماره ۶ مسجد مقدس جمکران را شکست و وارد محدوده این مسجد شد. این کشنده هوو بعد از تخریب این درو ورود به محوطه، منحرف و متوقف شد. بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد راننده هنگام حادثه دارای حالت طبیعی نبوده و در خودرو مقداری بنزین نیز همراه داشته که با ورود به موقع خدام و حراست مسجد دستگیر شد. رازان و مجاوران به خارج از صحن صاحب‌الزمان هدایت شدند و بلافاصله امنیت کامل در این صحن مسجد جمکران برقرار و راننده بازداشت شد و تحقیقات از وی ادامه دارد.



جان خود را از دست دادند. در جمهوری ایرلند نیز یک مرد حدود ۶۰ساله بر اثر سقوط درخت جان خود را از دست داد. در شمال فرانسه نیز حدود ۳۰نفر بر اثر وقوع تصادفات جاده‌ای ناشی از توفان مجروح شدند. با افزایش شدت توفان در کل اروپا احتمالاً بر تعداد فوت‌شدگان افزوده می‌شود.

میلیون‌ها خانه و مراکز تجاری در سراسر اروپا قطع‌شده و شبکه‌های حمل‌ونقل به هم ریخته است. در هلند چهار نفر بر اثر سقوط درخت و چهار نفر دیگر نیز در لهستان کشته شدند. در پی حوادث رانندگی ناشی از این توفان سه نفر نیز در جاده‌های انگلیس کشته شدند، دو نفر دیگر در آلمان و دو نفر هم در بلژیک

مرگ مرموز ۲ دختر عمو در چاه ۹۰متری



وقتی به آنجا رسید خواهر و دخترعمویش آنجا نبودند. شروع به جست‌وجو در آن اطراف کرد تا این‌که بعد از طی مسافتی موتورسیکلتی که آنها با خودشان برده بودند را در فاصله‌ای نزدیک یک چاه کشاورزی پیدا کرد.
عموی داغ‌دیده ادامه داد: برادرزاده‌ام اطراف را جست‌وجو کرد اما آنها را پیدا نکرد و به سمت چاه که آب داشت به راه افتاد. وقتی به آنجا رسید، دید که کفش آنها اطراف چاه افتاده اما خبری از خواهر و دخترعمویش نبود. وحشت‌زده بود و

جست‌وجویشان پرداختند تا این‌که همان شب اجساد آنها که درون چاه کشاورزی در منطقه دشت‌خاک‌زرین دشت افتاده بود با کمک غواصان و نیروی آتش‌نشانی پیدا شد. مرگ آنها مشکوک و معلوم نبود چطور این بلا سرشان آمده و باعث شده فوت کنند و خانواده‌هایشان داغدار شوند.

عموی این دو دختر درباره حادئه به خبرنگار جام‌جم گفت: فائزه ۱۹ساله و سومین فرزند برادرم بود. جمیله ۱۴ساله هم تنها دختر و اولین فرزند برادر دیگرم بود. آنها برادرزاده‌های مهربانم بودند. آن‌ دو مثل دو خواهر و همیشه با هم بودند. بیشتر مواقع به باغ زیتون می‌رفتند. صبح جمعه بیست‌ونهم بهمن امسال، با سوار شدن به موتورسیکلتی که در خانه بود راهی باغ زیتون شدند. قرار بود تفریحی کنند و بازگردند اما خانواده هردو برادرم هرچه منتظر شدند، خبری از آنها نشد و دل‌نگران شده بودند. ساعت ۱۱ و ۳۰ دقیقه صبح که شد، برادر فائزه برای یافتن آنها راهی باغ زیتون شد.

دو دخترعمو که برای تفریح به باغ زیتون رفته بودند، به طرز مشکوکی به داخل چاه ۹۰متری سقوط کرده و جان باختند. جسد این دو دختر با تلاش شش‌ساعته امدادگران از عمق چاه خارج شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، فائزه ۱۹ساله و جمیله ۱۴ساله با هم دخترعمو بودند. آنها و خانواده‌هایشان در شهر دیربان زرین‌دشت در جنوب‌شرقی استان فارس زندگی می‌کردند. آنها با هم ارتباط خوبی داشتند و هرازگاهی به باغ زیتون می‌رفتند. صدای شادی‌هایشان همیشه در باغ و میان درختان می‌پیچید. صبح جمعه بیست‌ونهم بهمن امسال درحالی‌که خانه‌هایشان یک‌کیلومتری با هم فاصله داشت بیرون زدند و تصمیم گرفتند برای تفریح به باغ زیتون بروند و زود بازگردند اما ساعاتی گذشت و از آنها خبری نشد. خانواده‌ها دل‌نگران شده و به

قتل مرد فروش فروش

در مخفیگاه

گروگانگیر قاتل

محمد غمخوار
<div><div></div><div><div>حوادث</div></div></div>

پرونده از پنجشنبه هفته‌گذشته و با گزارش ناپدیدشدن مرد میانسالی به‌نام علیداد در مشهد در دستور کار پلیس قرار گرفت. پسر این مرد در شکایت خود به ماموران گفت: پدرم در کنار خانه‌مان یک مغازه فروش فروشی دارد. امروز ظهر مردی با یک موتورسیکلت مقابل مغازه پدرم آمد و او را برای دیدن فرش با خود برد. بعد از آن دیگر پدرم به خانه بازنگشت. سابقه نداشت پدرم طولانی‌مدت بی‌خبر مغازه را ترک کند. به همین دلیل احتمال می‌دهم اتفاقی تلخ برای او رخ داده باشد. پس از این شکایت، ماموران تحقیقات خود را آغاز کرده و متوجه شدند علیداد از کاسیان سرشناس و خوشنام منطقه است و باکسی اختلاف و درگیری نداشته است. از سوی دیگر با توجه به اینکه با خانواده‌اش تماسی گرفته نشده بود، احتمال گروگانگیری با قصد اخادی رنگ باخت.

ردپای مرد موتورسوار

ماموران به بررسی دقیق دوربین‌های مداربسته منطقه پرداخته و متوجه شدند مرد جوانی با شلوار پلنگی ابتدا سراغ مرد فرش فروش رفته و او را سوار موتور کرده و با خود برده بود. او مدتی بعد دوباره به مقابل مغازه مرد فرش فوش آمده و چند تخته فرش را داخل خودروی وانتی گذاشته و برده بود.

باردایی خودروی وانت، ماموران خیلی زود راننده او را شناسایی

و دستگیر کردند. مرد راننده در تحقیقات منکر اطلاع از سرنوشت مرد فرش فروش شد و گفت: مردی با پرداخت ۳۰هزار تومان از من خواست چند تخته فرش را به خانه‌ای در محله گلشهر بیرم که قبول کردم و از ماجرای آدم‌ربایی خبر ندارم. با شناسایی خانه موردنظر در محله گلشهر تیم جنایی راهی آنجا شده و بازپرس جنایی دستور داد تا زمان بازگشت مرد موتورسوار به آنجا، منتظر مانده و وارد خانه نشوند. شامگاه جمعه مرد موتورسوار به خانه ویلایی دو طبقه وارد شد که همان لحظه در عملیاتی غافلگیرانه دستگیر شد.

رازگشایی از قتل

او که شوکه شده بود منکر اطلاع از سرنوشت پیرمرد شد. ماموران با دستور قضایی با بازرسی خانه پرداخته و جسد مرد فرش فروش را در میان یکی از فرش‌های سرقت‌شده از مغازه در طبقه‌بالای خانه پیدا کردند. آثار درگیری روی بدن این مرد وجود داشت. متهم به نام جلیل در بازجویی‌های ابتدایی منکر قتل شد و گفت: من فقط اتهام ربودن مرد فرش فروش و سرقت فرش از مغازه‌اش و پول از حساب بانکی‌اش را قبول دارم اما مرتکب قتل نشده‌ام. یکی از دوستانم که الان فراری است با مقتول درگیر شد و او را کشت. با بررسی‌های مقدماتی در صحنه قتل، متهم به بازداشتگاه منتقل شد و قاضی محمد عارفی‌راد، بازپرس جنایی مشهد دستور داد جسد به پزشکی قانونی منتقل شود تا کارشناسان علت اصلی مرگ او را مشخص کنند.

اعتراف به کشتن مرد فرش فروش

دو روز پس از افشای این جنایت و در حالی که در تحقیقات مشخص شده بود، جلیل همدستی ندارد بازرس جنایی به تحقیق از او در شعبه ۲۱۱ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد پرداخت. جلیل ابتدا ادعا‌های قبلی خود را تکرار کرد اما وقتی با دلایل بازپرس روبه‌رو شد، سکوت خود را شکست و به قتل اعتراف کرد و این‌بار مدعی شد که پس از درگیری با مقتول و در دفاع از خود مرتکب قتل او شده است. متهم با دستور بازپرس عارفی‌راد به پلیس آگاهی منتقل شد تا تحقیقات از وی ادامه پیدا کرده و به‌زودی صحنه قتل را بازسازی کند.

رازگشایی از ۲ جنایت در آخرین روز بهمن پایتخت

کشف جسد مومیایی با کارآگاه بازی خانم مارپل



می‌کردم و اختلافی هم با مقتول نداشتم. جمعه‌شب از او خواستم چون هوا ابری است اجازه دهم مبلمان تولیدی‌ام را داخل سالن کارگاه بگذارم که قبول نکرد و همین باعث دعوا و درگیری‌مان شد. او به صورتم سیلی زد. با مصیابت میله آهنی را برداشتم و دو ضربه به سرش زدم که فوت شد. جسد را در اتاقی در کارگاه انداختم. یکی از کارکنان آمد

مرد همسرکش پس از محاکمه در دادگاه کیفری به قصاص محکوم شد مخفی کردن جسد همسر میان درز ساختمان

سعید ۷۰ساله به هر دروغی متوسل شد تا زیر بار قتل همسر ۴۸ساله‌اش سهیلا که او را به‌مدت یک‌سال لای دیوار یک خانه‌باغ در بومهن دفن کرده بود، شانه‌خالی‌کند اما با تحقیقات پلیسی، سرانجام پرده از جنایت خود برداشت و از قتل همسرش اظهار پشیمانی کرد. این در حالی است که متهم دو سال بعد از جنایت با حکم قضات دادگاه کیفری با مجازات قصاص روبه‌رو شد.

وقتی سعید و سهیلا پای سفره عقد نشستند، زن جوان فکرش را هم نمی‌کرد بی قاتلش پیمان زناشویی می‌بندد. سهیلا همسر دوم سعید بود و سعید از ازدواج قبلی‌اش سه فرزند داشت که رابطه‌شان با سهیلا خوب بود. هر دو زندگی خوبی داشتند اما ناگهان ورق برگشت و سعید شد قاتل جان سهیلا. همه‌چیز از روزی شروع شد که سعید به خانواده سهیلا گفت او به‌طور ناگهانی ناپدید شده است. سعید موضوع ناپدید شدن همسرش را به پلیس گزارش کرد و خواهر و برادرانش نیز آگهی مفقودی او را منتشر کردند تا شاید رد و نشانی از سهیلا پیدا کنند. در حالی‌که همه دنبال سهیلا می‌گشتند، پلیس به سعید مشکوک شد.

برادر سهیلا در مورد علت اختلاف سهیلا و همسرش گفت: سعید تصمیم گرفته بود زمینی را که در فیروزکوه دارد، بسازد. خواهرم حدود ۱۰۰ میلیون تومان پول به همسرش بابت ساخت خانه‌باغ داد. سعید می‌خواست خانه را برای گرفتن وام به نام عروسم کند و سر همین موضوع خواهرم با سعید و پسر او اختلاف پیدا کرده بود. یک سالی می‌شد که سر این موضوع گاهی با هم بحث می‌کردند.

در حالی‌که با اعتراف سعید، تکه‌های پازل این جنایت در حال جور شدن بود اما مرد میانسال این بار از در انکار وارد شد و گفت، روز حادثه سهیلا از خانه بیرون رفت و از او هیچ خبری ندارد. انکارهای سعید و گفته برادر سهیلا در مورد این‌که خواهرش و سعید با یکدیگر اختلاف مالی داشتند، باعث شد تا دامنه تحقیقات پلیسی بیشتر شود. آنها متوجه شدند آخرین فردی که با سهیلا ارتباط داشته، سعید بوده است. خط‌زنی تلفن همراه سعید و پسرش هم نشان داد همان روزی که سهیلا ناپدید شد، آنها هم یک‌جا بوده‌اند.

یک سال پس از قتل سهیلا، سعید که دیگر به ضد و نقیض‌گویی افتاده بود، به قتل اعتراف کرد و مدعی شد سهیلا را به دلیل سوءظنی که به او داشته، کشته است. او گفت، روز حادثه و با استفاده از یک شال سهیلا را خفه کرده و جنازه‌اش را لای دیوار خانه‌باغ گذاشته است.

اما این ادعا را خانواده سهیلا قبول نکردند و گفتند، اختلاف‌شان به‌دلیل مسائل مالی بود و پای هیچ سوءظنی در میان نیست. با اعتراف سعید، ماموران جسد را از میان دیوار بیرون کشیدند و پس از تکمیل تحقیقات، کیفرخواست صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۸ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. طبق قرار قبلی، متهم و اولیای‌دم به دادگاه کیفری یک استان تهران رفتند. در ابتدای جلسه کیفرخواست علیه متهم خوانده شد و اولیای دم و وکیل آنها در جایگاه قرار گرفتند و برای متهم درخواست قصاص کردند. متهم نیز با قبول اتهام قتل، گفت: از کاری که کردم پشیمان هستم و درخواست بخشش دارم. من عصبانی شدم و قصدی هم برای قتل نداشتم. متهم درباره این‌که چرا یک سال واقعیت را پنهان کرده، پاسخی نداشت. در ادامه وکیل مدافع او در جایگاه حاضر شد و دفاعیات خود را مطرح کرد. در پایان جلسه، دادگاه هیات قضات شعبه ۸ کیفری استان تهران وارد شور شدند و براساس مستندات دادگاه، متهم را به قصاص محکوم کردند.

رازگشایی از ۲ جنایت در آخرین روز بهمن پایتخت

کشف جسد مومیایی با کارآگاه بازی خانم مارپل

و پیگیر درگیری‌مان بود و گفتم چیزی نشده و صاحب کارگاه رفته است. جسد را در میان ابرو و پارچه‌های مبلی پیچانده و مومیایی کردم. ظهر روز بعد جسد مومیایی را از داخل کارگاه بیرون آورده و به زیرزمین بردم تا در آنجا دفن کنم که دستگیر شدم.

همسرکشی باکتک

در حالی‌که تحقیقات تیم جنایی در این پرونده به پایان رسیده و متهم روانه بازداشتگاه پلیس شد، رسیدگی به جنایت دیگری در دستور کار بازپرس و کارآگاهان جنایی پایتخت قرار گرفت. راز دومین جنایت شنبه پایتخت با تماس مردی با اورژانس فاش شد. ساعت ۲۳ شنبه س‌ام بهمن، این مرد با اورژانس تماس گرفت و برای نجات همسر جوانش که در خانه‌شان در محله مسعودیه بیهوش شده بود کمک خواست. بعد از آن نیروهای امدادی به محل اعزام شدند